بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سند حدیث(خطبه) معرفت نورانیت

حدیث مقام نورانیت، روایتی طولانی است که علامه مجلسی در بحار الانوار به نقل از «کتاب عتیق» آورده است.[بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱] **نویسنده «کتاب عتیق» یا «کتاب کهن»، أبو الحسین یا أبو جعفر محمد بن هارون بن موسی تَلَّعُکْبَری از حدیث‌شناسان قدیمی شیعه می‌باشد که مورد قبول علمای رجال و حدیث است، چنان‌که از این کتاب دعاها و روایاتی نقل می‌کنند.**[ر. ک: «بررسی سند و متن دعای عهد»، ۳۳۴۰۸؛ «کامل‌ترین دعا از نگاه امام علی علیه السّلام »، ۴۸۷۲۲] **به هر حال؛ چون حدیث مقام نورانیت در این کتاب آمده است می‌توان با این نگاه آن‌را از جهت سندی مورد پذیرش قرار داد.**

صرف نظر از این روایت؛ در روایتی مفضل بن عمر درباره مقام نورانیت امیر مؤمنان علی علیه السّلام از امام صادق علیه السّلام می‌پرسد: ای فرزند رسول خدا! از نورانیت امیر مؤمنان علیه السّلام به من خبر دهید، حضرت صادق علیه السّلام فرمود: «بله چنین است. شناخت او به شناخت خداوند متعال است و شناخت خداوند به شناخت او میسّر می‌شود».[علوی، محمد بن علی بن الحسین، المناقب، محقق، موسوی بروجردی، حسین، ص ۶۷ و ۱۳۲، قم، دلیل ما، چاپ اول؛ ؛ ر. ک: «معرفت خدا و معرفت امام»، ۲۶۹۶۳؛ «تقدم معرفت خدا بر معرفت رسول الله(ص)»، ۲۱۰۲۶؛ «اثر پذیرش یا انکار نبوّت پیامبران و امامت ائمه اطهار علیهم السّلام »، ۳۷۵۱۲.]

حدیث(خطبه) معرفت نورانیت

در کتاب "بحارالانوار" از مرحوم آیت الله مجلسی و کتاب "مشارق‌الانوار" از شیخ برسی حدیثی ذکر شده که درباره فضیلت امام علی علیه السّلام و خانواده گرامی ایشان است. ماجرای این حدیث چنین است که روزی ابوذر غفاری از سلمان پارسی می‌پرسد: ای سلمان، معرفت امیرالمونین علی (علیه السّلام) به نورانیّت چگونه است و در چه حدی است؟ سلمان پاسخ می‌دهد: ای ابوذر بیا تا بریم و این سوال را از شخص امام بپرسیم. سپس ابوذر و سلمان به نزد امام علی علیه السّلام می‌روند و این سوال را از ایشان می‌پرسند. امام علی علیه السّلام نیز خطابه بسیار زیبایی در جواب این سوال ایراد می‌فرمایند؛ امام علی علیه السّلام در این حدیث، ضمن این که معرفت نرانیّت را بر هر مرد و زن مومن واجب دانسته درباره جایگاه خود در عالم و در مقابل خداوند و جایگاه خانواده گرامی‌شان داد سخن می‌دهند و در شرح قول خدا «یقیمون الصلوة» فرمودند: هر کس ولایت من را اقامه کرد نماز اقامه کرده است.

لازم به ذکر است که این حدیث شریف در بین اهل معرفت و عرفان بسیار مورد توجه هست و برخی از عرفا آن را مبنای سیر و سلوک خود قرار داده اند. آنها از نحوه و چگونگی خطاب های امیرالمؤمنین علیه السلام به جناب سلمان و ابوذر ونحوه پاسخ آنان مراتب عرفانی قابل تدبری را قائل اند. مناسب است که در محتوای این حدیث شریف دقّت و تأمّل شود.

حدیث معرفة امیرالمؤمنین بالنّورانیّة

رُوِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ أَنَّهُ قَالَ: سَأَلَ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِی سَلْمَانَ الْفَارِسِی رَضِی اللَّهُ عَنْهُمَا یا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السّلام ِالنُّورَانِیةِ قَالَ یا جُنْدَبُ فَامْضِ بِنَا حَتَّی نَسْأَلَهُ عَنْ ذَلِک قَالَ فَأَتَینَاهُ فَلَمْ نَجِدْهُ قَالَ فَانْتَظَرْنَاهُ حَتَّی جَاءَ قَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیهِ مَا

جَاءَ بِكمَا قَالا جِئْنَاک یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ نَسْأَلُک عَنْ مَعْرِفَتِک بِالنُّورَانِیةِ قَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیهِ مَرْحَباً بِكمَا مِنْ وَلِیینِ مُتَعَاهِدَینِ لِدِینِهِ لَسْتُمَا بِمُقَصِّرَینِ لَعَمْرِی إِنَّ ذَلِک الواجب [وَاجِبٌ] عَلَی كلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ

محمّد بن صدقه نقل کرد: اباذر غفاری از سلمان فارسی پرسید معرفت امام امیر المؤمنین علیه السّلام به نورانیت چگونه است؟ سلمان گفت با هم برویم از خود مولا سؤال کنیم آمدیم خدمت امیر المؤمنین علیه السّلام ایشان را نیافتیم. مدتی منتظر شدیم تا آمد. سؤال فرمود برای چه آمده اید؟ گفتیم آمده ایم بپرسیم شما را چگونه با نورانیت می توان شناخت؟ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیهِ فرمود: مرحبا به شما دو دوست متعهد که در راه دین کوتاهی ندارید. به جان خودم سوگند یاد می کنم که این مطلب بر هر مرد و زن مؤمنی واجب است.

ثُمَّ قَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیهِ یا سَلْمَانُ وَ یا جُنْدَبُ قَالا لَبَّیک یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ علیه السّلام إِنَّهُ لَا یسْتَكمِلُ أَحَدٌ الْإِیمَانَ حَتَّی یعْرِفَنِی كنْهَ مَعْرِفَتِی بِالنُّورَانِیةِ فَإِذَا عَرَفَنِی بِهَذِهِ الْمَعْرِفَةِ فَقَدِ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِیمَانِ وَ شَرَحَ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَ صَارَ عَارِفاً مُسْتَبْصِراً وَ مَنْ قَصَّرَ عَنْ مَعْرِفَةِ ذَلِک فَهُوَ شَاک وَ مُرْتَابٌ

آنگاه فرمود: ای سلمان وای ابا ذر! گفتیم بفرمائید یا امیر المؤمنین. علیه السّلام فرمود: ایمان شخص کامل نمی شود مگر مرا به کنه معرفت با نورانیت بشناسد. وقتی به این صورت شناخت آنگاه دلش را خدا به ایمان آزمایش نموده و شرح صدر برای اسلام به او عنایت کرده و در این صورت است که عارف و بینا و مستبصر می شود. و هر که کوتاهی از این عرفان بنماید در حال شک و ارتیاب است.

یا سَلْمَانُ وَ یا جُنْدَبُ قَالا لَبَّیک یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ علیه السلام مَعْرِفَتِی بِالنُّورَانِیةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ وَ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَعْرِفَتِی بِالنُّورَانِیةِ وَ هُوَ الدِّینُ الْخَالِصُ الَّذِی قَالَ اللَّهُ تَعَالَی وَ ما أُمِرُوا إِلَّا لِیعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ حُنَفاءَ وَ یقِیمُوا الصَّلاةَ وَ یؤْتُوا الزَّكاةَ « البینة: ۵»

وَ ذلِک دِینُ الْقَیمَةِ یقُولُ مَا أُمِرُوا إِلَّا بِنُبُوَّةِ مُحَمَّدٍ صلّی اللّه علیه و آله و سلّم وَ هُوَ الدِّینُ الْحَنِیفِیةُ الْمُحَمَّدِیةُ السَّمْحَةُ وَ قَوْلُهُ یقِیمُونَ الصَّلَاةَ فَمَنْ أَقَامَ وَلَایتِی فَقَدْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ إِقَامَةُ وَلَایتِی صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا یحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَک مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِی مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِیمَانِ

ای سلمان وای ابا ذر! گفتیم بفرمائید یا امیر المؤمنین، فرمود: شناخت من با نورانیّت، شناخت خدا است و شناخت خدا معرفت من است با نورانیت. این است همان دین خالص که خداوند می فرماید: « وَ ما أُمِرُوا إِلَّا لِیعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ حُنَفاءَ وَ یقِیمُوا الصَّلاةَ وَ یؤْتُوا الزَّكاةَ وَ ذلِک دِینُ الْقَیمَةِ. » می فرماید: دستور داده نشده به آنها مگر اینکه ایمان به نبوت حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آورند که همان دین حنیف محمدی ساده است این قسمت آیه «وَ یقِیمُوا الصَّلاةَ» هر کس اقامه ولایت مرا کرده باشد نماز را به پای داشته است به پا داشتن ولایت من دشوار و سنگین است که تاب آن را ندارد مگر فرشتهٔمقرّب یا پیامبر مرسل یا بندهٔمؤمنی که خدا دلش را به ایمان آزمایش کرده باشد.

فَالْمَلَک إِذَا لَمْ یكنْ مُقَرَّباً لَمْ یحْتَمِلْهُ وَ النَّبِی إِذَا لَمْ یكنْ مُرْسَلًا لَمْ یحْتَمِلْهُ وَ الْمُؤْمِنُ إِذَا لَمْ یكنْ مُمْتَحَناً لَمْ یحْتَمِلْهُ قُلْتُ یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ مَنِ الْمُؤْمِنُ وَ مَا نِهَایتُهُ وَ مَا حَدُّهُ حَتَّی أَعْرِفَهُ

فرشته اگر مقرّب نباشد تاب تحمل آن را ندارد و پیامبر نیز اگر مرسل نباشد تحمل ندارد و مؤمن هم اگر مورد آزمایش و اعتماد نباشد تاب آن را ندارد. گفتم یا امیر المؤمنین مؤمن کیست و حدّ و نهایت ایمان چیست تا بتوان او را شناخت؟

قَالَ علیه السّلام یا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قُلْتُ لَبَّیک یا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ قَالَ الْمُؤْمِنُ الْمُمْتَحَنُ هُوَ الَّذِی لَا یرَدُّ مِنْ أَمْرِنَا إِلَیهِ شَی ءٌ إِلَّا شُرِحَ صَدْرُهُ لِقَبُولِهِ وَ لَمْ یشُک وَ لَمْ یرْتَبْ « فی نسخة: و لم یرتد. » اعْلَمْ یا أَبَا ذَرٍّ أَنَا عَبْدُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ خَلِیفَتُهُ عَلَی عِبَادِهِ لَا تَجْعَلُونَا أَرْبَاباً وَ قُولُوا فِی فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ فَإِنَّكمْ لَا تَبْلُغُونَ كنْهَ مَا فِینَا وَ لَا نِهَایتَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ أَعْطَانَا أَكبَرَ وَ أَعْظَمَ مِمَّا یصِفُهُ وَ أَصِفُكمْ أَوْ یخْطُرُ عَلَی قَلْبِ أَحَدِكمْ فَإِذَا عَرَفْتُمُونَا هَكذَا فَأَنْتُمُ الْمُؤْمِنُونَ

فرمود: یا ابا عبد اللّه (سلمان). عرض کردم لبیک ای برادر پیامبرخدا. فرمود: مؤمن امتحان شده کسی است که هر چه از جانب ما به او برسد دلش برای پذیرش وسعت دارد و شک و تردید در آن ندارد،

بدان ابا ذر که من بندهٔخدا و خلیفه بر بندگانم ما را (خدا) قرار ندهید ولی در فضل ما هر چه می خواهید بگوئید باز هم به کنه فضل ما نخواهید رسید و نهایت ندارد. زیرا خداوند تبارک و تعالی به ما بیشتر و بزرگتر از آنچه ما میگوییم و شما می گویید یا خطور به قلب یکی از شما نماید عنایت فرموده. وقتی ما را این طور شناختید آن وقت مؤمن هستید.

قَالَ سَلْمَانُ قُلْتُ یا أَخَا رَسُولِ اللهِ وَ مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ أَقَامَ وَلَایتَک قَالَ نَعَمْ یا سَلْمَانُ تَصْدِیقُ ذَلِک قَوْلُهُ تَعَالَی فِی الْکتَابِ الْعَزِیزِ وَ اسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ وَ إِنَّها لَکبِیرَةٌ إِلَّا عَلَی الْخاشِعِینَ « (البقرة: ۴۵- الصَّبْرُ رَسُولُ اللهِ ص وَ الصَّلَاةُ إِقَامَةُ وَلَایتِی فَمِنْهَا قَالَ اللهُ تَعَالَی وَ إِنَّها لَکبِیرَةٌ وَ لَمْ یقُلْ وَ إِنَّهُمَا لَکبِیرَةٌ لِأَنَّ الْوَلَایةَ کبِیرَةٌ حَمْلُهَا إِلَّا عَلَی الْخَاشِعِینَ وَ الْخَاشِعُونَ هُمُ الشِّیعَةُ الْمُسْتَبْصِرُونَ

سلمان گفت: عرض کردم ای برادر پیامبرخدا هر کسی نماز به پا دارد ولایت تو را به پا داشته؟ فرمود آری دلیل این مطلب آیهٔقرآن است « وَ اسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ وَ إِنَّها لَکبِیرَةٌ إِلَّا عَلَی الْخاشِعِینَ. » کمک بگیر از صبر و نماز و آن سنگین و دشوار است مگر برای خشوع کنندگان. صبر پیامبر است و نماز اقامهٔولایت من است. به همین جهت خداوند می فرماید «إِنَّها لَکبِیرَةٌ» و نفرموده «انهما لکبیرة» آن دو سنگین است چون حمل ولایت سنگین است مگر برای خاشعین که آنها شیعیان بینا و روشنند.

وَ ذَلِک لِأَنَ أَهْلَ الْأَقَاوِیلِ مِنَ الْمُرْجِئَةِ وَ الْقَدَرِیةِ وَ الْخَوَارِجِ وَ غَیرِهِمْ مِنَ النَّاصِبِیةِ یقِرُّونَ لِمُحَمَّدٍ صلّی الله علیه و آله و سلّم (فی نسخة: بمحمد صلّی الله علیه و آله و سلّم) لَیسَ بَینَهُمْ خِلَافٌ وَ هُمْ مُخْتَلِفُونَ فِی وَلَایتِی مُنْکرُونَ لِذَلِک جَاحِدُونَ بِهَا إِلَّا الْقَلِیلُ وَ هُمُ الَّذِینَ وَصَفَهُمُ اللهُ فِی کتَابِهِ الْعَزِیزِ فَقَالَ إِنَّها لَکبِیرَةٌ إِلَّا عَلَی الْخاشِعِینَ

زیرا صاحب عقاید از قبیل مرجئه و قدریه و خوارج و دیگران از قبیل ناصبی ها اقرار به نبوت حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم دارند و در این مورد اختلافی ندارند ولی هم ایشان در بارهٔولایت من اختلاف دارند و منکر آن هستند مگر تعداد کمی. آنهایند که خداوند در قرآن ایشان را توصیف نموده «إِنَّها لَکبِیرَةٌ إِلَّا عَلَی الْخاشِعِینَ».

وَ قَالَ اللهُ تَعَالَی فِی مَوْضِعٍ آخَرَ فِی کتَابِهِ الْعَزِیزِ فِی نُبُوَّةِ مُحَمَّدٍ صلّی الله علیه و آله و سلّم وَ فِی وَلَایتِی فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَ وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِیدٍ « الحجّ: ۴۵» فَالْقَصْرُ مُحَمَّدٌ وَ الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ وَلَایتِی عَطَّلُوهَا وَ جَحَدُوهَا وَ مَنْ لَمْ یقِرَّ بِوَلَایتِی لَمْ ینْفَعْهُ الْإِقْرَارُ بِنُبُوَّةِ مُحَمَّدٍ صلّی الله علیه و آله و سلّم إِلَّا أَنَّهُمَا مَقْرُونَانِ وَ ذَلِک أَنَّ النَّبِی صلّی الله علیه و آله و سلّم نَبِی مُرْسَلٌ وَ هُوَ إِمَامُ الْخَلْقِ وَ عَلِی مِنْ بَعْدِهِ إِمَامُ الْخَلْقِ وَ وَصِی مُحَمَّدٍ صلّی الله علیه و آله و سلّم کمَا قَالَ لَهُ النَّبِی صلّی الله علیه و آله و سلّم أَنْتَ مِنِّی بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَی إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِی بَعْدِی وَ أَوَّلُنَا مُحَمَّدٌ وَ أَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ وَ آخِرُنَا مُحَمَّدٌ فَمَنِ اسْتَکمَلَ مَعْرِفَتِی فَهُوَ عَلَی الدِّینِ الْقَیمِ کمَا قَالَ اللهُ تَعَالَی وَ ذَلِک دِینُ الْقَیمَةِ « البینة: ۵» وَ سَأُبَینُ ذَلِک بِعَوْنِ اللهِ وَ تَوْفِیقِهِ

در جای دیگر قرآن راجع به نبوت حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و ولایت من می فرماید: « وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِیدٍ »؛ قصر محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم است و « بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ» (چاه واگذار شده) ولایت من است که آن را رها کرده اند و منکر شده اند. هر که اقرار به ولایت من نداشته باشد اقرار به نبوت پیامبر برای او سودی نخواهد داشت این دو با هم قرین و همراهند زیرا پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نبی مرسل و امام مردم است و علی پس از او امام مردم و وصی محمّد است چنانچه پیامبر اکرم فرمود: «انت منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی»
واول ما محمّد و وسط ما محمّد و آخر ما محمّد است. هر کس معرفت مرا کامل داشته باشد او بر دین قیم و استوار است چنانچه در این آیه می فرماید «وَ ذلِک دِینُ الْقَیمَةِ» این مطلب را به توفیق خدا و کمک او توضیح می دهم.

یا سَلْمَانُ وَ یا جُنْدَبُ قَالا لَبَّیک یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیک قَالَ کنْتُ أَنَا وَ مُحَمَّدٌ نُوراً وَاحِداً مِنْ نُورِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَمَرَ اللهُ تَبَارَک وَ تَعَالَی ذَلِک النُّورَ أَنْ یشَقَّ فَقَالَ لِلنِّصْفِ کنْ مُحَمَّداً وَ قَالَ لِلنِّصْفِ کنْ عَلِیاً فَمِنْهَا قَالَ رَسُولُ اللهِ صلّی الله علیه و آله و سلّم عَلِی مِنِّی وَ أَنَا مِنْ عَلِی وَ لَا یؤَدِّی عَنِّی إِلَّا عَلِی وَ قَدْ وَجَّهَ أَبَا بَکرٍ بِبَرَاءَةَ إِلَی مَکةَ فَنَزَلَ جَبْرَئِیلُ علیه السلام فَقَالَ یا مُحَمَّدُ قَالَ لَبَّیک قَالَ إِنَّ اللهَ یأْمُرُک أَنْ تُؤَدِّیهَا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ عَنْک فَوَجَّهَنِی فِی اسْتِرْدَادِ أَبِی بَکرٍ فَرَدَدْتُهُ فَوَجَدَ فِی نَفْسِهِ وَ قَالَ یا رَسُولَ اللهِ أَ نَزَلَ فِی الْقُرْآنُ قَالَ لَا وَ لَکنْ لَا یؤَدِّی إِلَّا أَنَا أَوْ عَلِی.

ای سلمان و ای جندب! گفتیم بفرمائید یا امیر المؤمنین درود خدا برتو باد، فرمود: اینک می گویم ای سلمان و ابا ذر! من و محمّد یک نور از نور خداوند بودیم خداوند دستور داد به آن نور که دو قسمت شود به نیمی از آن فرمود محمّد باش! و به نیم دیگر فرمود علی باش! به همین جهت پیامبر اکرم فرموده است: «علی منّی و انا من علی و لا یودّی عنّی الّا علی علی از من و من از علی هستم و این کار را نمیتواند انجام دهد مگر علی ». ابوبکر را با سوره برائت به مکه فرستاد، جبرئیل نازل شده گفت: ای محمّد خداوند می فرماید باید این کار را تو انجام دهی یا مردی از خودت. آنگاه مرا فرستاد تا سوره را از ابوبکر بگیرم، از او

گرفتم امّا او ناراحت شده از پیامبر اکرم پرسید آیا در این مورد آیۀقرآن درباره من نازل شده؟ فرمود نه ولی نباید این کار را انجام دهد مگر من یا علی.

یا سَلْمَانُ وَ یا جُنْدَبُ قَالا لَبَّیک یا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ قَالَ علیه السّلام مَنْ لَا یصْلُحُ لِحَمْلِ صَحِیفَةٍ یؤَدِّیهَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلّی اللّه علیه و آله و سلّم کیفَ یصْلُحُ لِلْإِمَامَةِ یا سَلْمَانُ وَ یا جُنْدَبُ فَأَنَا وَ رَسُولُ اللَّهِ صلّی اللّه علیه و آله و سلّم کنَّا نُوراً وَاحِداً صَارَ رَسُولَ اللَّهِ ص مُحَمَّدٌ الْمُصْطَفَی وَ صِرْتُ أَنَا وَصِیهُ الْمُرْتَضَی وَ صَارَ مُحَمَّدٌ النَّاطِقَ وَ صِرْتُ أَنَا الصَّامِتَ وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ فِی کلِّ عَصْرٍ مِنَ الْأَعْصَارِ أَنْ یکونَ فِیهِ نَاطِقٌ وَ صَامِتٌ یا سَلْمَانُ صَارَ مُحَمَّدٌ الْمُنْذِرَ وَ صِرْتُ أَنَا الْهَادِی وَ ذَلِک قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَ إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکلِّ قَوْمٍ هادٍ « الرعد: ۷» فَرَسُولُ اللَّهِ صلّی اللّه علیه و آله و سلّم الْمُنْذِرُ وَ أَنَا الْهَادِی اللَّهُ یعْلَمُ ما تَحْمِلُ کلُّ أُنْثی وَ ما تَغِیضُ الْأَرْحامُ وَ ما تَزْدادُ وَ کلُّ شَی ءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدارٍ عالِمُ الْغَیبِ وَ الشَّهادَةِ الْکبِیرُ الْمُتَعالِ سَواءٌ مِنْکمْ مَنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَ مَنْ جَهَرَ بِهِ وَ مَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّیلِ وَ سارِبٌ بِالنَّهارِ لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَینِ یدَیهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ یحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ « الرعد: ۱۱- ۸»

ای سلمان وای ابا ذر! گفتیم بفرمائید یا برادر رسول خدا، فرمود: اینک فکر کنید کسی که صلاحیت نداشته باشد چند آیه را از جانب پیامبر به مردم برساند چگونه صلاحیت برای امامت دارد؟، من و پیامبر یک نور بودیم او محمّد مصطفی گردید و من وصی او علی مرتضی شدم. محمّد ناطق شد و من ساکت. باید در هر زمان ناطق و صامتی باشد. ای سلمان! محمّد منذِر است و من هادی. این است معنی آیه « إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکلِّ قَوْمٍ هادٍ »« الرعد: ۷»
پیامبر اکرم منذر است و من هادی. « اللَّهُ یعْلَمُ ما تَحْمِلُ کلُّ أُنْثی وَ ما تَغِیضُ الْأَرْحامُ وَ ما تَزْدادُ وَ کلُّ شَی ءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدارٍ عالِمُ الْغَیبِ وَ الشَّهادَةِ الْکبِیرُ الْمُتَعالِ سَواءٌ مِنْکمْ مَنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَ مَنْ جَهَرَ بِهِ وَ مَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّیلِ وَ سارِبٌ بِالنَّهارِ لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَینِ یدَیهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ یحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ« الرعد: ۱۱- ۸»

قَالَ فَضَرَبَ ع بِیدِهِ عَلَی أُخْرَی وَ قَالَ صَارَ مُحَمَّدٌ صَاحِبَ الْجَمْعِ وَ صِرْتُ أَنَا صَاحِبَ النَّشْرِ وَ صَارَ مُحَمَّدٌ صَاحِبَ الْجَنَّةِ وَ صِرْتُ أَنَا صَاحِبَ النَّارِ أَقُولُ لَهَا خُذِی هَذَا وَ ذَرِی هَذَا وَ صَارَ مُحَمَّدٌ صلّی اللّه علیه و آله و سلّم صَاحِبَ الرَّجْفَةِ وَ صِرْتُ أَنَا صَاحِبَ الْهَدَّةِ وَ أَنَا صَاحِبُ اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ أَلْهَمَنِی اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عِلْمَ مَا فِیهِ نَعَمْ.

در این موقع علی علیه السّلام دست خود را بر دست دیگر زده گفت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم صاحب جمع است و من صاحب نشر. محمّد صاحب بهشت است و من صاحب جهنم. به جنهم می گویم این را بگیر و این یک را واگذار! محمّد صاحب مکان و من صاحب ریزش و من صاحب لوح محفوظم که خدا به من الهام نموده آنچه در لوح است.

یا سَلْمَانُ وَ یا جُنْدَبُ وَ صَارَ مُحَمَّدٌ یس وَ الْقُرْآنِ الْحَکیمِ « یس: ۱ و ۲» وَ صَارَ مُحَمَّدٌ ن وَ الْقَلَمِ « القلم: ۱» وَ صَارَ مُحَمَّدٌ طه ما أَنْزَلْنا عَلَیک الْقُرْآنَ لِتَشْقی « طه: ۱ و ۲» وَ صَارَ مُحَمَّدٌ صَاحِبَ الدَّلَالاتِ وَ صِرْتُ أَنَا صَاحِبَ الْمُعْجِزَاتِ وَ الْآیاتِ وَ صَارَ مُحَمَّدٌ خَاتَمَ النَّبِیینَ وَ صِرْتُ أَنَا خَاتَمَ الْوَصِیینَ وَ أَنَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِیمُ « الفاتحة: ۶» وَ أَنَا النَّبَأُ الْعَظِیمُ الَّذِی هُمْ فِیهِ مُخْتَلِفُونَ « النبأ: ۲ و ۳» وَ لَا أَحَدٌ اخْتَلَفَ إِلَّا فِی وَلَایتِی وَ صَارَ مُحَمَّدٌ صَاحِبَ الدَّعْوَةِ وَ صِرْتُ أَنَا صَاحِبَ السَّیفِ وَ صَارَ مُحَمَّدٌ نَبِیاً مُرْسَلًا وَ صِرْتُ أَنَا صَاحِبَ أَمْرِ النَّبِی ص قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ یلْقِی الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلی مَنْ یشاءُ مِنْ عِبادِهِ « المؤمن: ۱۵» وَ هُوَ رُوحُ اللَّهِ لَا یعْطِیهِ وَ لَا یلْقِی هَذَا الرُّوحَ إِلَّا عَلَی مَلَک مُقَرَّبٍ أَوْ نَبِی مُرْسَلٍ أَوْ وَصِی مُنْتَجَبٍ فَمَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ هَذَا الرُّوحَ فَقَدْ أَبَانَهُ مِنَ النَّاسِ وَ فَوَّضَ إِلَیهِ الْقُدْرَةَ وَ أَحْیا الْمَوْتَی وَ عَلِمَ بِمَا کانَ وَ مَا یکونُ وَ سَارَ مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَی الْمَغْرِبِ وَ مِنَ الْمَغْرِبِ إِلَی الْمَشْرِقِ فِی لَحْظَةِ عَینٍ وَ عَلِمَ مَا فِی الضَّمَائِرِ وَ الْقُلُوبِ وَ عَلِمَ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ.

ای سلمان و ایابا ذر! محمّد یس و القرآن الحکیم است محمّد ن و القلم است و محمّد طه ما أَنْزَلْنا عَلَیک الْقُرْآنَ لِتَشْقی می باشد؛ محمّد صاحب دلالات و من صاحب معجزات و آیات. محمّد خاتم النبیین و من خاتم الوصیین و صراط مستقیم هستم و «النَّبَإِ الْعَظِیمِ الَّذِی هُمْ فِیهِ مُخْتَلِفُونَ» می باشم؛ هیچ کس اختلاف ندارد مگر در باره ولایت من. محمّد صاحب دعوت و من صاحب شمشیر، محمّد پیامبر مرسل و من صاحب امر پیامبرم؛ خداوند می فرماید: یلْقِی الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلی مَنْ یشاءُ مِنْ عِبادِهِ. او روح اللّه است که عطا نمی کند و القا نمی نماید آن روح را مگر بر ملک مقرب یا پیامبر مرسل یا وصی برگزیده. به هر کس این روح را عنایت کند او را از مردم جدا نموده و به او قدرت تفویض کرده و مرده زنده می کند، اطلاع از گذشته و آینده دارد و از مشرق به مغرب و از مغرب به مشرق در یک چشم بهم زدن می رود و از دلها و قلبها خبر دارد و آنچه در آسمانها و زمین است می داند.

یا سَلْمَانُ وَ یا جُنْدَبُ وَ صَارَ مُحَمَّدٌ الذِّکرَ الَّذِی قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَیکمْ ذِکراً رَسُولًا یتْلُوا عَلَیکمْ آیاتِ اللَّهِ « الطلاق: ۱۰ و ۱۱» إِنِّی أُعْطِیتُ عِلْمَ الْمَنَایا وَ الْبَلَایا وَ فَصْلَ الْخِطَابِ وَ اسْتُودِعْتُ عِلْمَ الْقُرْآنِ وَ مَا هُوَ کائِنٌ إِلَی یوْمِ الْقِیامَةِ وَ مُحَمَّدٌ صلّی اللّه علیه و آله و سلّم أَقَامَ الْحُجَّةَ حُجَّةً لِلنَّاسِ وَ صِرْتُ أَنَا حُجَّةَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ اللَّهُ لِی مَا لَمْ یجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ لَا لِنَبِی مُرْسَلٍ وَ لَا لِمَلَک مُقَرَّبٍ

ای سلمان و ای ابا ذر! محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم همان ذکری است که در قرآن فرموده: قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَیکمْ ذِکراً رَسُولًا یتْلُوا عَلَیکمْ آیاتِ اللَّهِ. به من علم مرگ و میرها و بلاها و فصل الخطاب (در هر جا چه باید گفت و هر مسأله چه جوابی دارد) داده اند و به من علم قرآن و آنچه تا قیامت اتفاق خواهد افتاد واگذارده اند. محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم حجة را تعیین نمود تا برای مردم حجت باشد و من حجة اللّه شدم. خداوند به من مقامی عنایت کرده که برای هیچ یک از گذشتگان و آیندگان چه پیامبر مرسل و چه فرشتۀمقرب قرار نداده.

یا سَلْمَانُ وَ یا جُنْدَبُ قَالا لَبَّیک یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ علیه السلام أَنَا الَّذِی حَمَلْتُ نُوحاً فِی السَّفِینَةِ بِأَمْرِ رَبِّی وَ أَنَا الَّذِی أَخْرَجْتُ یونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ بِإِذْنِ رَبِّی وَ أَنَا الَّذِی جَاوَزْتُ بِمُوسَی بْنِ عِمْرَانَ الْبَحْرَ بِأَمْرِ رَبِّی وَ أَنَا الَّذِی أَخْرَجْتُ إِبْرَاهِیمَ مِنَ النَّارِ بِإِذْنِ رَبِّی وَ أَنَا الَّذِی أَجْرَیتُ أَنْهَارَهَا وَ فَجَّرْتُ عُیونَهَا وَ غَرَسْتُ أَشْجَارَهَا بِإِذْنِ رَبِّی وَ أَنَا عَذَابُ یوْمِ الظُّلَّةِ وَ أَنَا الْمُنَادِی مِنْ مَکانٍ قَرِیبٍ قَدْ سَمِعَهُ الثَّقَلَانِ الْجِنُّ وَ الْإِنْسُ وَ فَهِمَهُ قَوْمٌ إِنِّی لَأُسْمِعُ کلَّ قَوْمٍ «: کل یوم » الْجَبَّارِینَ وَ الْمُنَافِقِینَ بِلُغَاتِهِمْ وَ أَنَا الْخَضِرُ عَالِمُ مُوسَی وَ أَنَا مُعَلِّمُ سُلَیمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ أَنَا ذُو الْقَرْنَینِ وَ أَنَا قُدْرَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ یا سَلْمَانُ وَ یا جُنْدَبُ أَنَا مُحَمَّدٌ وَ مُحَمَّدٌ أَنَا وَ أَنَا مِنْ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدٌ مِنِّی قَالَ اللَّهُ تَعَالَی مَرَجَ الْبَحْرَینِ یلْتَقِیانِ بَینَهُما بَرْزَخٌ لا یبْغِیانِ « الرحمن: ۱۹ و ۲۰»

ای سلمان و ای ابا ذر! گفتیم بفرمائید یا امیر المؤمنین، فرمود: منم آن کس که نوح را در کشتی به دستور خدا بردم؛ من یونس را به اجازۀخدا از شکم نهنگ خارج کردم؛ من به اجازۀخدا موسی را از دریا گذراندم؛ من ابراهیم را از آتش نجات دادم به اجازه خدا؛ من نهرها و چشمه هایش را جاری و درختهایش را کاشتم با اجازۀخدایم،
من عذاب یوم الظله هستم (شاید منظور قیامت باشد)؛ منم آنکه فریاد می زنم از مکان نزدیکی که تمام جنّ و انس آن را می شنوند و گروهی می فهمند.
من با هر گروهی چه ستمگران و چه منافقین به زبان خودشان صحبت می کنم. منم خضر آن دانشمندی که همراه موسی بود. منم معلّم سلیمان بن داود؛ و منم ذو القرنین و منم قدرت اللّه. ای سلمان و یا ابا ذر! منم محمّد و محمّد من است؛ من از محمّدم و محمّد از من است. خداوند در این آیه می فرماید: « مَرَجَ الْبَحْرَینِ یلْتَقِیانِ بَینَهُما بَرْزَخٌ لا یبْغِیانِ».

یا سَلْمَانُ وَ یا جُنْدَبُ قَالا لَبَّیک یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ إِنَّ مَیتَنَا لَمْ یمُتْ وَ غَائِبَنَا لَمْ یغِبْ وَ إِنَّ قَتْلَانَا لَنْ یقْتَلُوا یا سَلْمَانُ وَ یا جُنْدَبُ قَالا لَبَّیک صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیک قَالَ ع أَنَا أَمِیرُ کلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ مِمَّنْ مَضَی وَ مِمَّنْ بَقِیَ وَ أُیدْتُ بِرُوحِ الْعَظَمَةِ وَ إِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ مِنْ عَبِیدِ اللَّهِ لَا تُسَمُّونَا أَرْبَاباً وَ قُولُوا فِی فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ فَإِنَّکمْ لَنْ تَبْلُغُوا مِنْ فَضْلِنَا کنْهَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ لَنَا وَ لَا مِعْشَارَ الْعُشْرِ لِأَنَّا آیاتُ اللَّهِ وَ دَلَائِلُهُ وَ حُجَجُ اللَّهِ وَ خُلَفَاؤُهُ وَ أُمَنَاؤُهُ وَ أَئِمَّتُهُ وَ وَجْهُ اللَّهِ وَ عَینُ اللَّهِ وَ لِسَانُ اللَّهِ بِنَا یعَذِّبُ اللَّهُ عِبَادَهُ وَ بِنَا یثِیبُ وَ مِنْ بَینِ خَلْقِهِ طَهَّرَنَا وَ اخْتَارَنَا وَ اصْطَفَانَا وَ لَوْ قَالَ قَائِلٌ لِمَ وَ کیفَ وَ فِیمَ لَکفَرَ وَ أَشْرَک لِأَنَّهُ لَا یسْأَلُ عَمَّا یفْعَلُ وَ هُمْ یسْأَلُونَ

ای سلمان و یا ابا ذر! گفتیم بفرمائید یا امیر المؤمنین، فرمود: مردۀ ما نمرده است و غائب ما دور نشده و کشته های ما هرگز کشته نشده اند. ای سلمان و یا ابا ذر! من امیر هر مرد و زن مؤمنم چه گذشتگان و چه آیندگان. مرا با روح عظمت تائید کرده اند. من یکی از بندگان خدایم مبادا ما را خدا بنامید! در بارۀفضل ما هر چه مایلید بگویید به کنه فضل ما نخواهید رسید و حتّی مقداری از یک دهم آن را نمی توانید بیان کنید. چون ما آیات و دلائل خداییم و حجّت و خلیفه و امین و امام و وجه اللّه و عین اللّه و لسان اللّه هستیم. به وسیله ما بندگان خدا عذاب می شوند و به وسیله ما پاداش داده می شوند. ما را از میان بندگان خود پاک نموده و انتخاب کرده و برگزیده اگر کسی بگوید به چه جهت و چگونه هستند و در کجایند که چنین شده اند؟ زیرا خداوند درباره آنچه می کند(دربرابر هیچکس) پاسخگو نیست، درحالی که بندگان مورد سئوال و بازخواست خواهند بود.

یا سَلْمَانُ وَ یا جُنْدَبُ قَالا لَبَّیک یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیک قَالَ ع مَنْ آمَنَ بِمَا قُلْتُ وَ صَدَّقَ بِمَا بَینْتُ وَ فَسَّرْتُ وَ شَرَحْتُ وَ أَوْضَحْتُ وَ نَوَّرْتُ وَ بَرْهَنْتُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ مُمْتَحَنٌ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِیمَانِ وَ شَرَحَ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَ هُوَ عَارِفٌ مُسْتَبْصِرٌ قَدِ انْتَهَی وَ بَلَغَ وَ کمَلَ وَ مَنْ شَک وَ عَنَدَ وَ جَحَدَ وَ وَقَفَ وَ تَحَیرَ وَ ارْتَابَ فَهُوَ مُقَصِّرٌ وَ نَاصِبٌ

ای سلمان و یا ابا ذر! کافر و مشرک می شود زیرا از آنچه بیان کردم و تفسیر نمودم و شرح دادم و روشن کردم و استدلال نمودم نیابد او مؤمنی است که آزمایش شده قلبش برای ایمان و سینه هاش وسعت یافته برای اسلام. او عارف روشن بین است که به هدف رسیده و کامل شده و هر کس شک نماید و دشمنی ورزد و منکر شود و متحیر باشد و تردید نماید او مقصّر و ناصبی است.

يا سَلْمَانُ وَ يا جُنْدَبُ قَالا لَبَّيک يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيک قَالَ عليه السّلام أَنَا أُحْيِی وَ أُمِيتُ بِإِذْنِ رَبِّی وَ أَنَا أُنَبِّئُكمْ بِمَا تَأْكلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ فِی بُيوتِكمْ بِإِذْنِ رَبِّی وَ أَنَا عَالِمٌ بِضَمَائِرِ قُلُوبِكمْ وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ أَوْلَادِی عليه السلام يعْلَمُونَ وَ يفْعَلُونَ هَذَا إِذَا أَحَبُّوا وَ أَرَادُوا لِأَنَّا كلَّنَا وَاحِدٌ أَوَّلُنَا مُحَمَّدٌ وَ آخِرُنَا مُحَمَّدٌ وَ أَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ وَ كلُّنَا مُحَمَّدٌ
فَلَا تفَرَّقُوا بينَنَا وَ نَحْنُ إِذَا شِئْنَا شَاءَ اللَّهُ وَ إِذَا كرِهْنَا كرِهَ اللَّهُ الْوَيلُ كلُّ الْوَيلِ لِمَنْ أَنْكرَ فَضْلَنَا وَ خُصُوصِيتَنَا وَ مَا أَعْطَانَا اللَّهُ رَبُّنَا لِأَنَّ مَنْ أَنْكرَ شَيئاً مِمَّا أَعْطَانَا اللَّهُ فَقَدْ أَنْكرَ قُدْرَةَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَشِيتَهُ فِينَا

ای سلمان و ای ابا ذر! گفتیم بفرمائید یا امیر المؤمنین، فرمود: من زنده می کنم و می میرانم به اجازۀخدا. من به شما خبر می دهم که چه می خورید و چه ذخیره در خانه های خود کرده اید به اذن خدا. من از دلهای شما مطلعم و ائمه از اولادم نیز همین کارها را می کنند و این اطلاعات را دارند هر وقت بخواهند و اراده کنند. چون ما همه یکی هستیم اوّل ما محمّد، آخر ما محمّد و وسط ما محمّد است و همۀما محمّدیم؛ بین ما جدایی نیندازید! ما وقتی بخواهیم، خدا می خواهد و وقتی نخواهیم خدا نمی خواهد. وای بس وای بر کسی که منکر فضل و امتیازات و الطافی که خدا به ما عنایت کرده باشد؛ زیرا هر کسی منکر یکی از چیزهایی باشد که خدا به ما عنایت کرده منکر قدرت خدا و مشیت اوست در بارۀما.

يا سَلْمَانُ وَ يا جُنْدَبُ قَالا لَبَّيک يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيک قَالَ عليه السّلام لَقَدْ أَعْطَانَا اللَّهُ رَبُّنَا مَا هُوَ أَجَلُّ وَ أَعْظَمُ وَ أَعْلَى وَ أَكبَرُ مِنْ هَذَا كلِّهِ قُلْنَا يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا الَّذِی أَعْطَاكمْ مَا هُوَ أَعْظَمُ وَ أَجَلُّ مِنْ هَذَا كلِّهِ قَالَ قَدْ أَعْطَانَا رَبُّنَا عَزَّ وَ جَلَّ عِلْمَنَا لِلِاسْمِ الْأَعْظَمِ الَّذِی لَوْ شِئْنَا خَرَقَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ الْجَنَّةُ وَ النَّارُ وَ نَعْرُجُ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ نَهْبِطُ بِهِ الْأَرْضَ وَ نَغْرُبُ وَ نَشْرُقُ وَ نَنْتَهِی بِهِ إِلَى الْعَرْشِ فَنَجْلِسُ «۱» عَلَيهِ بَينَ يدَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يطِيعُنَا كلُّ شَی ءٍ حَتَّى السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُومُ وَ الْجِبَالُ وَ الشَّجَرُ وَ الدَّوَابُّ وَ الْبِحَارُ وَ الْجَنَّةُ وَ النَّارُ أَعْطَانَا اللَّهُ ذَلِک كلَّهُ بِالاسْمِ الْأَعْظَمِ الَّذِی عَلَّمَنَا وَ خَصَّنَا بِهِ وَ مَعَ هَذَا كلِّهِ نَأْكلُ وَ نَشْرَبُ وَ نَمْشِی فِی الْأَسْوَاقِ وَ نَعْمَلُ هَذِهِ الْأَشْياءَ بِأَمْرِ رَبِّنَا وَ نَحْنُ عِبَادُ اللَّهِ الْمُكرَمُونَ الَّذِينَ لا يسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يعْمَلُونَ وَ جَعَلَنَا مَعْصُومِينَ مُطَهَّرِينَ وَ فَضَّلَنَا عَلَى كثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ فَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا وَ ما كنَّا لِنَهْتَدِی لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ وَ حَقَّتْ كلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكافِرِينَ أَعْنِی الْجَاحِدِينَ بِكلِّ مَا أَعْطَانَا اللَّهُ مِنَ الْفَضْلِ وَ الْإِحْسَانِ

ای سلمان و ابا ذر! گفتیم بفرمائید یا امیر المؤمنین درود خدا برتو باد، فرمود: خدا به ما چیزهایی داده که بزرگتر و عظیم تر و عا لیتر از همۀاینهاست. پرسیدیم چه چیز به شما داده که بهتر از همۀاینها است؟ فرمودند: ما را مطلع از اسم اعظم نموده که اگر بخواهیم آسمانها و زمین و بهشت و جهنم را از جای بر کنیم، به آسمان ببریم و به زمین بزنیم، به مغرب و مشرق می رویم و منتهی به عرش می شویم، در آنجا می نشینیم در مقابل خدا؛ و همه چیز مطیع ما هستند، حتّی آسمانها و زمین و شمس و قمر و ستارگان و کوهها و درخت ها و جنبندگان و دریاها و بهشت و جهنم. این مقام را خداوند به واسطۀاسم اعظم که عنایت نموده بخشیده؛ با تمام این امتیازات، ما غذا می خوریم و در بازارها راه می رویم و این کارها را به امر خدا انجام می دهیم. ما بندگان گرامی خدا هستیم که اظهار نظر در مقابل او نداریم و به دستورش عمل می کنیم. ما را معصوم و پاک قرار داده و برتری بخشیده بر بسیاری از بندگان مؤمنش. ما میگوییم: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا وَ ما كنَّا لِنَهْتَدِی لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ (اعراف:آیه ۴۳) خدا را ستایش که ما را به این مقام هدایت نموده که اگر او راهنمای ما نبود راه به این مقام نمی یافتیم. و ثابت است عذاب بر کافران که منظور منکران الطاف خدا به ما هستند.

يا سَلْمَانُ وَ يا جُنْدَبُ فَهَذَا مَعْرِفَتِی بِالنُّورَانِيةِ فَتَمَسَّک بِهَا رَاشِداً فَإِنَّهُ لَا يبْلُغُ أَحَدٌ مِنْ شِيعَتِنَا حَدَّ الِاسْتِبْصَارِ حَتَّى يعْرِفَنِی بِالنُّورَانِيةِ فَإِذَا عَرَفَنِی بِهَا كانَ مُسْتَبْصِراً بَالِغاً كامِلًا قَدْ خَاضَ بَحْراً مِنَ الْعِلْمِ وَ ارْتَقَى دَرَجَةً مِنَ الْفَضْلِ وَ اطَّلَعَ عَلَى سِرٍّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ مَكنُونِ خَزَائِنِهِ

ای سلمان و ای جندب! این است معرفت من به نورانیت، اینک با رُشد وهدایت بدان چنگ بزنید زیرا هیچیک از شیعیان ما به سر حد بصیرت و روشن‌ب ینی نمی رسند مگر مرا به [مقام] نورانیت بشناسند.پس هرگاه چنین شد، به طور کامل به بصیرت و روشن بینی رسیده و در دریایی از علم فرو رفته و مرتبه ای از فضیلت را پیموده و بر رازی از رازها و گنجینه های پنهان خدا آگاهی یافته اند.

منبع: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۶، ص: ۸-۲ .